

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوازدهم، شماره بیست و سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲

### نوروز، بزرگ جشن ملی ایرانیان\*

دکتر شمس الدین نجمی

دانشیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

بر چهره گل، نسیم نوروز خوش است  
در صحن چمن، روی دل افروز خوش است  
از دی که گذشت، هر چه گویی خوش نیست  
خوش باش و ز دی مگو، که امروز خوش است  
(عمر خیّام)

#### چکیده

نوروز، جشنی باستانی و ایرانی است که همه ساله در روز اول بهار آن را جشن می‌گیریم. نوروز، همچنین نمادی است از بیداری طبیعت از خواب زمستانی و مرگی که به رستاخیز و زندگی منتهی می‌شود و به همین مناسبت جشن مربوط به فوهرها نیز بوده است. افسانه‌های ایرانی، پیدایش نوروز را به دوران «جمشید پیشدادی» نسبت می‌دهند و می‌گویند: چون جمشید به پادشاهی رسید، دین را تجدید کرد و این کار در روز «نوروز» انجام شد که اکنون هر ساله این جشن بزرگ توسط ایرانیان گرامی داشته و برگزار می‌شود.

جشن نوروز از اعتدال بهاری آغاز می‌شود. در دانش ستاره‌شناسی، اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی در نیم کره شمالی زمین به لحظه‌ای گفته می‌شود که خورشید از صفحه استوایی زمین می‌گذرد و به سوی شمال آسمان می‌رود. این لحظه، لحظه اول برج حمل

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۲/۱۲/۱۹

sh.najmi@yahoo.com

\* تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۹

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

نامیده می شود که در تقویم خورشیدی برابر با نخستین روز (اورمزد روز) از ماه فروردین یا «نوروز» است. جشن نوروز در تقویم میلادی برابر است با بیست و یک یا بیست و دو مارس مطابقت دارد.

نوروز، یگانه بنیادی است که همه اش خوبی، پاکی و نیکی است. ورجاوند، روزی است که تنها نیاکان ما به ارزش وجودش پی بردند و آن را بزرگ داشتند. چرا که آنها روزی را می خواستند تا بتوانند در آن خود را از نپاکی ها و بداندیشی ها که با گذر زمان در درونشان رخنه کرده بود، پاک کنند و در لحظه ای موعود زندگی را با همه نیکی ها و نیکیبختی ها دوباره آغاز نمایند. نیک داشته هایشان را بیفزایند و از بدی هایشان بکاهند؛ پس آنها «نوروز» را به عنوان بزرگ ترین، نیک ترین و برترین جشن خود برگزیدند و آیین ها و اندیشه های پاک را به آن افزودند تا هر بار آن را بهتر و زیباتر از گذشته برگزار نمایند.

## واژه های کلیدی

نوروز، گاهنبارها، اوستا، شاهنامه، پیش از اسلام، پس از اسلام.

## مقدمه

نوروز، بزرگترین جشن ایرانیان، در اول فروردین ماه است. جشن نوروز از ایام باستان یکی از دو جشن بزرگ آریاییان بود که دیگری جشن مهرگان است. آریایی ها در دوره باستان، سال را به دو فصل گرما و سرما تقسیم کرده بودند که فصل گرما شامل دو ماه و فصل سرما شامل ده ماه بود. اما بعدها در این تقسیم بندی تغییری پدید آمد و تابستان دارای هفت ماه و زمستان دارای پنج ماه شد. در آغاز هر یک از این دو فصل، جشنی برپا می کردند که هر دو آغاز سال نو محسوب می شد. (صفا، ۱۳۵۶: ۲۱)

نوروز، نخستین جشنی بود که به هنگام فصل گرما یعنی زمانی که گله ها را از آغل ها به چمن های سبز و خرم می بردند و از دیدن چهره دلارای خورشید شاد و خرم می شدند، و دیگر در آغاز فصل سرما بود که گله ها به آغل ها باز می گشتند و توشه روزگار سرما را تهیه می کردند، برگزار می شد (مصاحب، ۱۳۸۰: ج ۱: ۳۰۷۸)

این مقاله به معرفی و سیر تحول جشن نوروز از روزگار باستان تاکنون می پردازد.

### جشن نوروز یا فروردگان در اوستا<sup>۱</sup>:

جشن فروردین یکی از شش جشن بزرگ سال و یا آخرین «گهنبار»<sup>۲</sup> (گاهنبار) است که در آیین «مزدیسنا»<sup>۳</sup>، ایام خلقت جهان است؛ همان طور که در «تورات»<sup>۴</sup> در سفر پیدایش در باب اول آمده است: «خداوند در مدت شش روز آسمان‌ها و زمین و روشنایی و آب و گیاه و خورشید و ماه و ستارگان و جانوران و انسان را بیافرید و در هفتمین روز بیاسود. در سنت مزدا پرستان نیز، اهورامزدا جهان را در شش بار بیافرید»، اما نه مانند «یَهُو»<sup>۵</sup> در یک هفته؛ بلکه در مدت یک سال. در فصل ۲۵ «بُنْدَهش»<sup>۶</sup> آمده است: «اهورامزدا می گوید که خلقت عالم در ۳۶۵ روز توسط من انجام گرفت و شش جشن «گهنبار» [به مناسبت شش مرحله خلقت] در هر سال قرار داده شده است.» زرتشتیان تا امروز هر یک از این جشن‌ها را در زمانی از سال، به مناسبت برگزار می کنند. مدت هر یک از این جشن‌ها، پنج روز بوده که مهم ترین روز جشن، آخرین روز آن است و چهار روز پیش از آن در حکم مقدمات جشن می باشد. (یسنا<sup>۷</sup>، ۱۹۳۸: ج ۱: ۵۹۴).

### نام و هنگام برگزاری و مناسبت گاهنبارها

- ۱- میدیوزرم گاه (= maydio zara gāh)، [گاه آفرینش آسمان] روز پانزدهم اردی بهشت.
- ۲- میدیوشهم گاه (= maydio šehem gāh)، [گاه آفریده شدن آب] روز پانزدهم تیرماه.
- ۳- پتیه شهم گاه (= payty šahim gāh)، [گاه آفرینش زمین] روز سی ام شهریور، هنگامی که گندم می رسیده و خرمن به دست می آمده است.
- ۴- آیاسرم گاه (= ayā sarem gāh)، [گاه رویش گیاهان] روز سی ام مهر ماه که گله‌ها از چراگاه‌های تابستانی باز می گشتند.
- ۵- میدیارم گاه (= maydia rem gāh)، [گاه آفرینش جانوران] روز بیستم دی ماه، هنگامی که سرما آغاز می شده است.

۶- هَمَس پَت مَدَم گاه (= hamas pat madem gāh)، [گاه آفرینش انسان] این جشن در آخرین روز اندرگاه (خمسه مسترقه<sup>۱</sup>) که پیشاهنگ بهار و هنگام فرود فروهرها<sup>۲</sup> از آسمان به زمین است گرفته می شده است. بنابراین جشن فروردین یا نوروز یکی از شش جشن بزرگ یا آخرین گهنبار است که امروز هم در میان زرتشتیان برگزار می شود (آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۴-۲۶۳ و ۲۹۵-۲۹۵ و ۱۵ ایرة المعارف فارسی مصاحب، ج ۲).

چنان که اشاره شد، هر یک از این جشن های شش گانه سال، پنج روز طول می کشید؛ ولی در موقع ششمین گهنبار که خلقت انسان در اوقات آن صورت پذیرفته، فروهر نامداران و در گذشتگان نیکوکار در مدت ده شب در روی زمین توقّف می کنند؛ یعنی از روز بیست و ششم اسفندماه تا آخرین روز پنجه وه (خمسه مسترقه).

در فروردین یشت در فقرة ۴۹ این چنین آمده است: «فروهرهای مقدّس و نیک و توانای پاکان را می ستائیم که در هنگام (هَمَس پَت مَدَم) از آرامگاه های خویش، پرواز و در مدت ده شب پی در پی در این جا به سر برند.» (ابوریحان بیرونی) هم، در خصوص این جشن - آخرین گهنبار سال - می نویسد: «این جشن ده روز طول می کشیده. آخرین پنج روز اسفندماه را نخستین فروردگان و پنجه وه را دومین فروردگان می گفته اند که از گفته تاریخ نگاران هم می دانیم که این جشن ده روز بوده است» (یشتها، ۱۳۷۵: ج ۱: ۵۹۵-۵۹۴).

### نوروز در شاهنامه

نوروز، بزرگ ترین جشن ملی ایرانیان است که از روزگاران بسیار دور برای ما، به یادگار مانده است و بنیاد آن را به «جمشید، شاه پیشدادی» نسبت می دهند و حتی امروز این جشن به نام «نوروز جمشیدی» معروف است. حکیم «عمر خیّام» - ریاضی دان، منجم و شاعر قرن پنجم و ششم هجری - در «نوروز نامه»<sup>۱۱</sup> درباره این جشن می نویسد: «اما سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند که آفتاب را دو دور بود؛ یکی آن که هر سیصد و شصت و پنج روز و ربعی از شبانه

روز به اول دقیقه حَمَل باز آید، به همان وقت و روز که رفته بود و چون «جمشید» آن را دریافت «نوروز» نام نهاد و جشن و آیینی آورد و پس از آن پادشاهان و دیگر مردمان بدو اقتدا کردند» (نوروز نامه، ۱۳۸۰: ۲).

فردوسی توسی هم در شاهنامه در این باره می گوید:

سر سال نو هر مز فرودین      بر آسوده از رنج، روی زمین  
به جمشید بر، گوهر افشانند      مر آن روز را روز نو خوانند  
بزرگان به شادی بیاراستند      می و رود و رامشگران خواستند  
چنین جشن فرخ از آن روزگار      بمانده از آن خسروان یادگار

(فردوسی، ۱۹۶۶م: ۴۸)

### نوروز در پیش از اسلام

به طور کلی از مراسم نوروز در دربار شاهنشاهان هخامنشی و اشکانی اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما برعکس، از دوره ساسانی اطلاعات گران-بهایی موجود است که به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می شود:

«در بامداد نوروز، شاهنشاه جامه ای که معمولاً از بُرد یمانی بود بر تن می کرد و زینت بر خود استوار می فرمود و به تنهایی در دربار حاضر می شد و شخصی که قدم او را نیک می گرفتند، بر شاه داخل می شد» (نوروز نامه، ۱۳۸۰: ۱۹-۱۸).

«در هر یک از ایام نوروز، پادشاه باز سپیدی را پرواز می داد و از چیزهایی که شاهنشاهان به خوردن آن تبرک می جستند، اندکی شیر تازه و خالص و پنیر نو بود و در هر نوروز برای پادشاه با کوزه ای آهنین یا سیمین آب برداشته می شد. در گردن این کوزه قلاده ای قرار می دادند از یاقوت های سبز که در زنجیری زرین گذاشته و بر آن مهره های زبرجدین کشیده بودند. این آب را دختران دوشیزه از زیر آسیاب ها برمی داشتند» (برهان قاطع، به نقل از المحاسن و الاضداد جاحظ، ۱۳۸۰: ۲۳۴).

بیست و پنج روز پیش از نوروز در صحن کاخ، دوازده ستون از خشت خام بر پا می شد و بر روی هر ستون گندم، جو، برنج، باقلی، کاجیله، ارزن، ذرت،

۱۹۰ / نوروز، بزرگ جشن ملی ایرانیان

لوبیا، نخود، کنجد، ماش می کاشتند و میمنت را در مجلس می پراکندند و تا روز مهر در ماه فروردین (۱۶ فروردین) آن را جمع نمی کردند- چنان که اکنون هم در ایران در کاشتن سبزی های مختلف در عید و چیدن آن در روز سیزدهم نوروز معمول است - این جویبات را به تفأل می کاشتند و گمان می کردند که هر یک از آن ها که نیکوتر و بارورتر شد، محصولش در آن سال فراوان تر خواهد بود و شاهنشاه به نظر کردن در جو به ویژه تبرک می جست (برهان قاطع به نقل از المحاسن و الاضداد جاحظ، ۱۳۶۲: ۳۴).

شاه در این روزها بار عام می داد و ترتیب آن را به شیوه گوناگون نوشته اند. ابوریحان می گوید: «که آیین پادشاهان ساسان در پنج روز اول فروردین (نوروز عامه) چنین بود که شاه به روز اول نوروز، ابتدا می کرد و عامه را از جلوس خویش برای ایشان و احسان بدانان می آگاهانید. در روز دوم برای کسانی که از عامه رفیع تر بودند، بعضی دهگانان و اهل آتشکده ها جلوس می کرد. در روز سوم از برای سواران و موبدان بزرگ و روز چهارم از برای افراد خاندان و نزدیکان و خاصان خود. در روز پنجم برای پسر و نزدیکان خویش و به هر یک از اینان در خور و رتبت، اکرام و انعام می نمود و چون روز ششم فرا می رسید از ادای حقوق مردم فارغ می شد و از این پس نوروز از آن خود او بود و دیگر کس جز ندیمان و اهل انس و شایستگان خلوت به نزد او نمی توانست برود. هم چنین در ایام نوروز نواهای خاص در خدمت پادشاه نواخته می شد که مختص همان ایام بود» (آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۲۱۹).

خسرو انوشیروان، در مدّت ده روز جشن فروردگان، سفیر امپراتور رُم "ژوستین" (Justin) را نپذیرفت چون مشغول به جای آوردن اعمال عید بود (دارمستتر<sup>۱</sup>، زند و اوستا، ۱۳۶۶: ج ۲: ۵۰۳).

### نوروز پس از اسلام (نوروز در عصر خلفا)

نخستین خلفای اسلام - خلفای راشدین - به نوروز اعتنایی نداشتند؛ ولی بعدها، خلفای اموی برای افزودن در آمد خود، هدایای نوروز را از نو معمول

داشتند. بنی‌امیه، هدیه ای در عید نوروز بر مردم ایران تحمیل می کردند که در زمان معاویه مقدار آن به ۵ تا ۱۰ میلیون درهم بالغ می شد. (تمدن اسلامی، ج ۲، ص ۲۲) و امیران ایشان برای جلب منافع خود مردم را به اهدای تُحَف دعوت می کردند. نخستین کسی که در اسلام، هدایای نوروز و مهرگان را رواج داد، «حجاج بن یوسف» بود، اندکی بعد این رسم از طرف خلفای مزبور به عنوان گران آمدن اهدای تُحَف بر مردم منسوخ گردید- زمان «عمر بن عبدالعزیز» - ولی در تمام این مدت ایرانیان مراسم جشن نوروز را برپا می داشتند (برهان قاطع، ۱۳۵۷: ۲۱۹۳).

در پی ظهور «ابومسلم خراسانی» و روی کار آمدن خلافت عباسی و نفوذ برمکیان و دیگر وزرای ایرانی و تشکیل سلسله طاهریان، جشن های ایرانی از نورونق گرفت. گویندگان، درباره آن ها قصاید پرداختند و نویسندگانی مانند «حمزه بن حسن اصفهانی» مؤلف «اشعار السائره فی النیروز و المهرجان» آن ها را مدون ساختند (آثار الباقیه، ۱۳۵۳: ۳۱).

آثار و قرائنی که در دست است می رساند که پس از اسلام، همواره جشن نوروز برپا می شده و مراسم آن با تصرفات و تغییراتی از عهدی به عهد دیگر منتقل می گردیده است تا عصر حاضر که آن، بزرگ ترین جشن ملی ایرانیان محسوب می گردد (مجله جهان نو، سال اول، شماره اول، ۹-۳).

تاریخ نگاران قدیم، غالباً از جشن فروردین یا نوروز یاد کرده اند به ویژه آن چه که «ابوعثمان جاحظ» در کتاب خویش «المحاسن و الاضداد» و «ابوریحان بیرونی» در «آثار الباقیه» نوشته اند، قابل مطالعه است. به واسطه نزدیکی زمان زیست این دو دانشمند به دوره ساسانیان، کلیه اطلاعات آنان راجع به نوروز و فروردجان (= فروردگان) یادآور اساس مذهبی این دو جشن است.

«ابوریحان بیرونی» می نویسد: «که در ایام فروردینگان در اتاق مردگان و بالای خانه ها در فارس و خوارزم برای پذیرایی از ارواح غذا می گذارند و بوی خوش، بخور می دهند. گذشته از آن که نخستین ماه سال خورشیدی به نام

«فروهر» است و نوزدهمین روز از فروردین ماه هم «فروردگان» نام دارد و مطابق شدن نام روز با نام ماه آن را هم جشن می‌گیرند (آثار الباقیه، ۱۳۵۲: ۴-۲۶۳).

## نوروز و امروز

این جشن از نخستین روز بهار، همراه با سرسبزی طبیعت و شادی آغاز می‌شود. خانواده‌های زرتشتی سه سینی از سبزه به نماد اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک بر خوان - سفره هفت سین - می‌گذارند تا موجب فراوانی نعمت در سال نو شود. رنگ سبز آن نماد ملی ایرانیان و نماد «آمداد امشاسپند» می‌باشد. سمنو (مایه خمیر) که نماد خوبی برای زایش و باروری گیاهان توسط «فروهرها» است. سنجد و شکوفه آن، سرچشمه دلدادگی است. سماق، چاشنی زندگی می‌باشد. سیر و سرکه، سیب سرخ (میوه جات) نماد «سپندارمزد امشاسپند»، سکه نماد «شهریور امشاسپند» و شیر و تخم مرغ، نماد «وهومن امشاسپند» است. آینه، نان، پنیر، سبزی، نقل، شیرینی، آجیل و جز آن را بر خوان می‌نهند که همگی، نمادی از داده‌ها و نعمت‌های الهی هستند (سال‌نمای انجمن زرتشتیان کرمان، ۱۳۸۴، مقدمه).

عدد هفت از زمان قدیم، در ایران مقدس بوده است که به «هفت امشاسپندان»<sup>۱۲</sup> و یا بزرگ‌ترین فرشتگان الهی، در آیین «مزدیسنا» مربوط است. این رسوم که از روزگاران کهن به یادگار مانده، اساساً برای این بوده است که فروهرهای مقدسین و نامداران و نیکوکاران و درگذشتگان خانواده‌ها که از آسمان فرود می‌آیند و چند روزی برای دیدار و سرکشی به خانواده‌های خود روی زمین خواهند بود، از خانه و زندگی بستگان و از دینداری و پرهیزگاری و داد و دهش بازماندگان خویش راضی و خشنود گشته و از درگاه خداوند بزرگ خوشی، شادمانی و تندرستی آن‌ها را بخواهند.

اشاره به این نکته هم ضروری است که نباید در گذاشتن محصولاتی با حروف سین یا حروف دیگر بر خوان نوروزی پافشاری کرد؛ بلکه باید بهترین داده‌های خداوندی بر خوان باشد. زرتشتیان در نخستین بامداد نوروز، علاوه بر



آب و جارو در کنار چارچوب پایین در ورودی خانه، مقداری برگ آویشن می ریزند که نشان برپایی جشن و سرور در آن خانه است؛ همچنین، زرتشتیان در نخستین روز سال نو به نیایشگاه محل زندگی خود می روند تا سال نو را با هماورزی - همبستگی با یکدیگر - یا نیایش به درگاه اهورامزدا آغاز نمایند و سپس مانند هر ایرانی دیگر به دیدار بزرگان فامیل و آشنایان می روند.

### نتیجه

با عنایت به توضیحات و مطالب ارائه شده در مقاله، امیدواریم همان طور که در مقدمه به آگاهی خوانندگان ارجمند رسید، توانسته باشیم به اجمال به معرفی جشن نوروز، چگونگی پدید آمدن آن و زمان برگزاری آن و سیر تحول این جشن باستانی و جایگاه آن در تاریخ و فرهنگ ایران، اطلاعاتی را در اختیار علاقه‌مندان گذاشته باشیم.

### یادداشت‌ها

۱- **اوستا** (= Avestā): کتاب مقدس ایرانیان باستان و زرتشتیان که شامل پنج بخش است. ۱- یسنا (= شامل گاتها و غیر آن). ۲- یشتها ۳- ویسپرد. ۴- وندیداد ۵- خرده اوستا. بخش‌های گوناگون اوستا در زمان‌های مختلف، توسط اشخاص متعدد تألیف شده است و از آن میان، سروده‌های معروف به «گاتها» از خود زرتشت است. مندرجات اوستا، عبارت است از: نیایش اهورامزدا و امشاسپندان و ایزدان، تکالیف انسان در جهان، بهشت و دوزخ و داستان‌های ملی.

۲- **گاهنبار یا گهنبار** (= Gāhanbār): کلمه‌ای که در پهلوی به آن گاسانبار گویند که از کلمه (Gās)، در اوستا گاتو (Gāto) به معنی گاه و هنگام آمده است. گاهان بار به معنی گاه و زمان به ثمر رسیدن و بار آوردن و برپایی جشن همگانی و مهمانی و از جشن‌های فصلی زرتشتیان می‌باشد که با داد و دهش و خواندن اوستا همراه است. زرتشتیان در نگرش سنتی خود، باور دارند

که آفرینش جهان در شش مرحله از سوی خداوند در شش چهره گاهنبار انجام گرفته است.

۳- **مزدیسنا / مزدیسنی**: در اوستا (Mazda yasna) و در پهلوی (Mazdasnih). این واژه مرکب است از: مَزْدَه / مَزْدَا، به معنای دانا و در عرف آیین زرتشت، خداوند بزرگ اطلاق می شود + یَسَنَه / یَسْنَا به معنای ستایش. بدین صورت که این واژه مرکب به معنای «پرستنده مزدا» است، خدایی که زرتشت به جهانیان معرفی می کند. مزدیسنا در برابر «دیویسنا» است که به معنای پرستنده دیو و کیش باطل است.

۴- **تورات (= twrāt)** نام پنج کتاب اوّل عهد عتیق (تکوین، خروج، احبار، عدد و تثیبه) معروف به شریعت موسی با اسفار خَمسه که به اعتقاد یهودیان در کوه سینا نازل شده است، تورات با وصف ابتدای آفرینش شروع و با بیان مرگ حضرت موسی خاتمه می پذیرد. دستوره‌های اصلی آن مربوط به راه و رسم زندگی و اصول اخلاقی و جسمانی است.

۵- **یَهُو (= Yahova)**: نام رمزی خدای یگانه در دین یهود است. این نام در کتاب مقدس عهد عتیق (تورات) بسیار دیده می شود. ایرانیان قدیم و حتی مقدسین یهود در روزگار ما این نام را تلفظ نمی کرده و نمی کنند؛ زیرا معتقدند که نام (یَهُوَه) یا خدای یگانه، بسیار بزرگ است و به زبان راندن آن سبب گناه می شود. در تورات هنگامی که به این نام می رسند، آن را ادونی (= Adonai) یعنی خدای بزرگ می خوانند. این کلمه، مانند کلمه (هو) نزد مسلمانان نام رمزی برای خداوند و ذات مقدس الهی است.

۶- **بُنْدَهَش**: (اصل خلقت، سفر پیدایش) کتابی به زبان پهلوی و خلاصه‌ای از اوستای ساسانی و زند. در موضوع تکوین جهان و قصص و اساطیر و طبیعیات و غیره است.

۷- **یَسْنَا (= yasnā)** هم ریشه با یشت. در لغت به معنی پرستش، ستایش، نماز، جشن و در اصطلاح یکی از بخش های پنج گانه اوستا و مهم ترین آن ها است که در مراسم دینی خوانده می شود و شامل ۷۲ فصل است.

۸- **خمسه مسترقه:** مراد پنجه دزدیده یا اندرگاه است. در ایران باستان، یک سال خورشیدی دارای ۱۲ ماه سی روز بود و سال سیصد و شصت و پنج روز؛ بنابراین، هر سال خورشیدی، پنج روز کم داشت. برای جبران آن در پایان هر سال، پنج روز به نام (پنجه دزدیده) می افزودند تا سال خورشیدی کامل و به سیصد و شصت و پنج روز برسد.

۹- **فروهرها (= Fravahar):** در اوستا، پنج نیروی باطنی برای انسان تشخیص داده شده است. برخی بی آغاز و بی انجام. برخی فناپذیر و برخی دیگر مُحدث و فعال که بعد از حیات هم جاودانی و ابدی می باشند. فروهر یا فروشی نیروی پنجم از این نیروها است. فروهر، موظف است از وقتی که نطفه انسان بسته می شود تا دم مرگ، او را محافظت کند. فروهر آدمی، پس از مرگ به عالم بالا می رود؛ ولی با صورت جسمانی خود ترک علاقه نمی کند و بازماندگاه و درگذشتگان همواره منظور نظر او هستند و از ساحت خداوند بزرگ، خوشی و خرمی آن ها را خواستار است.

۱۰- **دارمستتر (Darmestetar):** ایران شناس و استاد فرانسوی (۱۸۹۴ - ۱۸۴۹م) آثار او عبارتند از: «تبعات ایرانی» در دو جلد در مباحث لغوی و دستور زبان های ایرانی، «زند و اوستا» در سه جلد، «مبانی شعر فارسی»، «اساطیر در اوستا»، «اورمزد»، «مهدویت»، «اهریمن»، «ترجمه وندیداد»، «ترجمه یشتها» و «نظری به تاریخ ایران».

۱۱- **نوروزنامه:** رساله ای به فارسی منسوب به «حکیم عمر خیام نیشابوری». مؤلف در این رساله، علت پیدایش نوروز و بنیانگذار آن و آداب و رسوم شاهان ساسانی را در این جشن شرح می دهد و همچنین از شاهان ساسانی و تاریخی ایران تا زمان «یزدگرد» - شهریار ساسانی - و آیین جهانداری و رسوم شاهی ایشان مطالبی آورده است.

۱۲- **آمشاسپند (amšāspand):** در دین زرتشت به هفت فرشته ارجمند و مقرب گفته می شود که عبارتند از: اردی بهشت، خورداد، امرداد، شهریور، بهمن و اسپندارمد. در آغاز پیدایش آیین زرتشت در رأس این شش فرشته، سپنتامینو

(خرد مقدس) قرار داشت؛ ولی بعدها به جای او، اهورامزدا را قرار دادند و گاه به جای اهورامزدا، سروش را جای داده‌اند.

### فهرست منابع

۱. **اوستا**، گزارش و تفسیر ابراهیم پور داوود، (۱۳۶۶)، نگارش جلیل دوستخواه، تهران: نشر مروارید.
۲. اوشیدری، جهانگیر، (۱۳۷۱)، **دانشنامه مزدیسنا**، تهران: نشر مرکز.
۳. ابوریحان بیرونی (محمد بن احمد)، (۱۳۵۲)، **آثار الباقیه**، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: ابن سینا.
۴. پورداوود، ابراهیم، (۱۳۲۶)، **فرهنگ ایران باستان**، (بخش نخست) انتشارات فرهنگ ایران زمین.
۵. محمد بن حسین بن خلف تبریزی (متخلص به برهان)، (۱۳۶۱)، **برهان قاطع**، به اهتمام محمد معین، ۵ جلد، تهران: امیر کبیر.
۶. خیام نیشابوری، (۱۳۸۰)، **نوروز نامه**، به تصحیح مجتبی مینوی، تهران: اساطیر.
۷. فردوسی (۱۹۶۶م)، **شاهنامه**، زیر نظر. ی. ابرتلس، ۹ جلد، انتشارات انستیتو خاورشناسی مسکو.
۸. زیدان، جرجی، (۱۳۶۶)، **تاریخ التمدن الاسلامی**، ترجمه علی جواهر کلام، تهران: امیر کبیر.
۹. **سال نمای ۱۳۸۴ خورشیدی**، (۱۳۸۴)، انجمن زرتشتیان کرمان، تهران.
۱۰. صفا، ذبیح الله، (۱۳۵۶)، **تاریخ اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران**، تهران: امیر کبیر.
۱۱. طاهری، امیر، (۱۳۵۲)، **مجله جهان نو**، سال اول، شماره اول، ص ۳-۹.
۱۲. مسترهاکس، (۱۹۲۸ م)، **قاموس کتاب مقدس**، انتشارات اساطیر، بیروت.
۱۳. مُصاحب، غلامحسین و همکاران، (۱۳۸۰)، **دایرة المعارف فارسی**، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی (مؤسسه فرانکلین)، (سه جلد).
۱۴. **یسنا**، (۱۹۳۸م)، جزوی از اوستا (ج ۱)، تفسیر و گزارش ابراهیم پور داوود، انتشارات انجمن زرتشتیان، بمبئی.
۱۵. **یشتها**، (۱۳۷۵)، جزوی از اوستا (ج ۱)، تفسیر و گزارش ابراهیم پور داوود، انتشارات دانشگاه تهران.